

مفهوم اشتغال ناقص زمانی و نحوه تعیین مؤلفه‌های آن
گزیده مطالب آماری - ۵۹

مفهوم اشتغال ناقص زمانی^۱ و تعیین مؤلفه‌های آن

فاطمه هرندی^۲

چکیده

در این مقاله مفهوم اشتغال ناقص زمانی به عنوان زیر بخشی از اشتغال تشریح می‌شود. سپس مؤلفه‌های تعیین کننده اشتغال ناقص زمانی و نحوه تعیین هر یک توضیح داده می‌شود. همچنین نکاتی که در تعیین اشتغال ناقص زمانی باید به آن توجه شود، مطرح می‌گردد.

مقدمه

هدف اصلی جمع‌آوری اطلاعات جمعیت فعال از دیدگاه اقتصادی، تعیین میزان و ساختار

Time – related underemployment

مدیر گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری پژوهشکده آمار
۴۲

گزیده مطالب آمادگی ۹
اشتغال ناقص زمانی و نحوه تعیین مؤلفه های آن
نیروی کار کشور است. این اطلاعات همراه با سایر آمارهای اقتصادی، پایه ای برای ارزیابی و تحلیل سیاستهای اقتصاد کلان کشور را به وجود می آورد.

با مشخص شدن اجزای جمعیت فعال اقتصادی (شاغلان و بیکاران)، می توان میزان عرضه و استفاده از نیروی کار را تعیین نمود و به کمک آن، میزان و نوع مشاغل مورد نیاز را تخمین زد. بیکاری که به عنوان یکی از ابعاد نیروی کار با هدف به دست آوردن شاخص کلی عملکرد اقتصاد و وضعیت بازار کار اندازه گیری می شود، به مفهوم فقدان کامل کار است و در واقع نشان دهنده جمعیتی است که خواهان کار بوده اما به دلیل محدودیت فرصتهای اشتغال، فاقد کار هستند. از طرفی طبق توصیه های بین المللی، برای تعریف اشتغال، معیار حداقل یک ساعت کار در دوره مرجع کوتاه مدت در نظر گرفته می شود تا آمارهای نیروی کار با سایر آمارهای اقتصادی هماهنگ شود. علاوه بر این، در عین حال برخی از افراد هستند که به دلیل شرایط زندگی نمی توانند مدت طولانی بیکار بمانند و به هر کاری هر چند کوچک و بی اهمیت تن می دهند. این افراد گرچه با توجه به معیار حداقل یک ساعت کار در تعریف اشتغال، بیکار محسوب نمی شوند اما به طور همزمان در جستجوی کار بیشتری نیز هستند.

در چنین شرایطی برای قضاوت صحیح در مورد وضعیت اشتغال جامعه و آگاهی از میزان فرصتهای شغلی مورد نیاز، علاوه بر میزان بیکاری، باید از میزان استفاده ناقص از ظرفیت بهره دهی جمعیت شاغل نیز آگاهی داشت.

تعریف اشتغال ناقص زمانی

منظور از اشتغال ناقص زمانی، اشتغال با ساعت کار ناکافی است به نحوی که فرد شاغل در آن، تمایل و آمادگی برای انجام کار اضافی دارد. طبق توصیه های بین المللی، برای شناخت اشتغال ناقص زمانی، دو مؤلفه باید اندازه گیری شود که شامل تعداد افراد دارای اشتغال ناقص زمانی و مقدار اشتغال ناقص زمانی بر حسب ساعت کار است.

برای اندازه گیری مؤلفه اول به این ترتیب عمل می شود که ابتدا یک معیار توافق شده یکسان به عنوان ساعت کار متعارف (مثلاً، نگاه کنید به هرنیدی، ۱۳۸۲) تعیین می شود. سپس افرادی که در هفته مرجع سنجش اشتغال، مجموع ساعت کار آنها در تمامی مشاغل، کمتر از ساعت کار متعارف است، مشخص می شوند. آن دسته از افراد مذکور که

مفهوم اشتغال ناقص زمانی و نحوه تعیین مؤلفه های آن
گزیده مطالب آماری - ۵۹

برای انجام کار اضافی، تمایل و آمادگی دارند، افراد دارای اشتغال ناقص زمانی محسوب می‌شوند.

با توجه به اینکه برای تمامی مشاغل از یک ساعت کار متعارف یکسان استفاده می‌شود (برای سهولت کار)، باید با پرسش یک سؤال اضافی، افرادی را که به دلیل ماهیت کاری خود، کمتر از ساعت کار متعارف کار می‌کنند، اما در عین حال شاغل تمام وقت هستند (معلمین، اساتید و ...)، مشخص و از شمول افراد دارای اشتغال ناقص زمانی خارج نمود.

در تشخیص تمایل فرد برای انجام کار اضافی لازم است افرادی که در جستجوی کار اضافی هستند از افرادی که صرفاً اظهار تمایل به انجام کار اضافی دارند اما در جستجوی آن نیستند، تفکیک شوند.

داشتن تمایل برای انجام کار اضافی به این مفهوم است که کار کمتر از ساعت کار متعارف ماهیتی غیر اختیاری دارد و فرد ناخواسته کمتر از ساعت کار متعارف، کار می‌کند. این مسئله از طریق پرسش علت کار کمتر از حد متعارف در هفته مرجع مشخص می‌شود. بدیهی است افرادی که به علت تصمیم شخصی (تحصیل، خانه‌داری، تمایل به کار نیمه وقت و ...)، کمتر از حد متعارف کار کرده‌اند از جامعه مورد سنجش برای تشخیص افراد دارای اشتغال ناقص زمانی خارج می‌شوند.

منظور از کار اضافی، ساعت کاری بیشتر در شغل فعلی، تصدی شغل دیگری علاوه بر شغل فعلی، جایگزینی شغل فعلی با شغلی دیگر با ساعت کاری بیشتر و یا ترکیبی از موارد فوق است.

نکته مهمی که در تشخیص افراد دارای اشتغال ناقص زمانی باید به آن توجه نمود این است که دوره مرجع برای تشخیص اشتغال ناقص زمانی و اشتغال یکسان است. برای مثال چنانچه دوره مرجع تشخیص افراد شاغل، هفته گذشته باشد، برای تشخیص افراد دارای اشتغال ناقص زمانی نیز از همین دوره مرجع استفاده می‌شود و مجموع ساعت کار فرد در مشاغل مختلف وی طی هفته مرجع به عنوان ساعت کار فردی او محسوب و با مقایسه آن با ساعت کار متعارف تعیین شده، وضعیت فرد مشخص می‌شود.

علی‌رغم اینکه دوره مرجع تشخیص اشتغال ناقص زمانی و اشتغال یکسان است اما محاسبه

گزیده مطالب آمادگی^۹ اشتغال ناقص زمانی و نحوه تعیین مؤلفه های آن مفهوم

ساعت کاری فرد براساس ساعت کار معمول^۱ وی در دوره سنجش^۲ نیز ضرورت دارد. با انجام این کار، افرادی که به طور معمول نیز دارای اشتغال ناقص زمانی هستند از افرادی که صرفاً در هفته مرجع دارای اشتغال ناقص زمانی هستند، متمایز می‌شوند. این تمایز، تحلیل اطلاعات را تسهیل می‌کند. همچنین در مورد شاغلین با غیبت موقت از کار در هفته مرجع، ساعت کار معمول به جای ساعت کار فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال چنانچه دوره مرجع سنجش اشتغال، هفته گذشته باشد و سنجش وضعیت اشتغال در یک فصل موردنظر باشد، ساعت کار فردی در هفته مرجع برای افراد با غیبت موقت از کار، صفر خواهد بود. برای سنجش وضعیت اشتغال ناقص زمانی این افراد، می‌توان متوسط ساعت کار معمول فرد در طی یک هفته از آن فصل در کلیه فعالیتهای وی را محاسبه و با ساعت کار متعارف مقایسه نمود. البته در این حالت، علت غیبت موقت از کار نیز باید مدنظر قرار گیرد.

مسئله دیگری که در ارتباط با اشتغال ناقص مطرح است، تمایزی است که بین آن و کار پاره‌وقت وجود دارد. در واقع افراد شاغل مزد و حقوق‌بگیر منظم (رسمی) را می‌توان براساس ساعت کار به دو گروه تمام وقت و پاره‌وقت تقسیم نمود که منظور از کار پاره‌وقت، انجام داوطلبانه کار کمتر از طول ساعت کار متعارف آن است.

هرچند کار پاره‌وقت از دیدگاه ساعت کار کمتر از ساعت کار متعارف، مشابه اشتغال ناقص زمانی است اما دو تفاوت عمده بین این دو مفهوم وجود دارد.

الف - در کار پاره‌وقت، کوتاه بودن ساعت کار، اختیاری است اما در اشتغال ناقص زمانی، اجباری است و به همین دلیل هم گروه اخیر، تمایل و آمادگی برای انجام کار اضافی را دارند.

ب - کار پاره‌وقت فقط در مشاغل مزد و حقوق‌بگیری منظم (مستمر) مطرح است که در آن کار پاره‌وقت هم به عنوان یک وضعیت معمول، تعریف و عموماً در توافق بین کارفرما و فرد شاغل برای یک دوره طولانی یا نامعین، مشخص شده است. در صورتی که اشتغال ناقص

ساعت کار معمول در هفته در یک فعالیت، متوسط ساعت کار معمول فرد در طی یک هفته از یک دوره مشخص (ماه، فصل، سال و...) در آن فعالیت را نشان می‌دهد بنابراین هم در مورد افراد حاضر در سرکار طی هفته مرجع و هم در مورد افراد غایب طی این مدت، معنی دار است، برای توضیح بیشتر در مورد ساعت کار معمول مراجعه کنید به هرنیدی (۱۳۸۲).
دوره سنجش، دوره‌ای است که سنجش وضعیت اشتغال در آن موردنظر است. برای مثال در آمارگیریهای ماهانه نیروی کار، دوره سنجش، ماه می باشد.

مفهوم اشتغال ناقص زمانی و نحوه تعیین مؤلفه های آن
گزیده مطالب آماری - ۵۹

زمانی در مورد همه مشاغل می تواند مطرح باشد و وضعیت جاری را نشان می دهد که برای دوره مرجع مشخصی تعریف می شود.

چنانچه تشخیص افراد دارای اشتغال ناقص زمانی برحسب وضعیت معمول و جاری مدنظر باشد، پرسش سؤالات زیر ضروری است:

- ساعت کار معمول فرد (در هفته در همه مشاغل طی دوره سنجش)
- علت کمتر بودن ساعت کار معمول فرد از ساعت کار متعارف
- ساعت کار فرد در هفته گذشته در همه مشاغل
- علت کمتر بودن ساعت کار فرد در هفته گذشته از ساعت کار معمول وی
- تمایل فرد برای افزایش ساعت کار
- آمادگی فرد برای افزایش ساعت کار
- علت غیبت موقت از کار در طول هفته گذشته برای غایبین موقت

با وجود این اطلاعات، شش زیر گروه از افراد دارای اشتغال ناقص زمانی قابل تفکیک خواهند بود.

- ۱- افرادی که در دوره مرجع حاضر در سرکار بوده ولی کمتر از حد متعارف کار کرده اند، تمایل و آمادگی برای انجام کار اضافی را دارند و به طور معمول هم علی رغم تمایل خود کمتر از حد متعارف کار می کنند. به عبارت دیگر این افراد نه تنها در هفته مرجع بلکه به طور معمول هم دارای اشتغال ناقص زمانی هستند.
- ۲- افرادی که در دوره مرجع حاضر در سرکار بوده ولی علی رغم تمایل خود کمتر از حد متعارف کار کرده اند، تمایل و آمادگی برای انجام کار اضافی را دارند و به صورت اختیاری (دلایل غیراقتصادی)^۱ ساعت کار معمول آنها کمتر از حد متعارف است. در واقع این افراد تنها در هفته مرجع دارای اشتغال ناقص زمانی هستند.
- ۳- افرادی که در دوره مرجع حاضر در سرکار بوده ولی علی رغم تمایل خود کمتر از حد متعارف کار کرده اند، تمایل و آمادگی برای انجام کار اضافی را دارند و ساعت کار معمول

دلایل غیراقتصادی شامل، ماهیت کار، عدم تمایل به کار بیشتر، گرفتاریهای شخصی و ... است. برای توضیح بیشتر در مورد دلایل غیراقتصادی کمتر بودن ساعت کار معمول از حد متعارف مراجعه کنید به هرندي (۱۳۸۲)

گزیده مطالب آمادگی ۹۰
اشتغال ناقص زمانی و نحوه تعیین مؤلفه های آن مفهوم

آنها برابر یا بیش از حد متعارف است. این افراد نیز هرچند به طور معمول دارای اشتغال ناقص زمانی نیستند، به دلیل وضعیت آنها در هفته مرجع، جزو افراد دارای اشتغال ناقص زمانی محسوب می‌شوند.

۴- افرادی که در دوره مرجع از محل کار غیبت موقت دارند، تمایل و آمادگی برای انجام کار اضافی را دارند و به طور معمول نیز علی‌رغم تمایل خود، کمتر از حد متعارف کار می‌کنند. بنابراین، این افراد به دلیل وضعیت معمول خود، علی‌رغم غیبت موقت در هفته مرجع، هم در این هفته و هم به طور معمول، دارای اشتغال ناقص زمانی محسوب می‌شوند.

۵- افرادی که در دوره مرجع از محل کار غیبت موقت دارند، تمایل و آمادگی برای انجام کار اضافی را دارند و هرچند به صورت اختیاری ساعت کار معمول آنها کمتر از حد متعارف است اما به دلایلی از قبیل تعطیلی محل کار، نداشتن سفارش کار و ...، در هفته مرجع، در سرکار حاضر نشده‌اند. این افراد فقط در هفته مرجع دارای اشتغال ناقص زمانی هستند.

۶- افرادی که در دوره مرجع از محل کار غیبت موقت دارند، تمایل و آمادگی برای انجام کار اضافی را دارند و ساعت کار معمول آنها برابر یا بیش از حد متعارف است اما به دلایلی مشابه آنچه که در بند ۵ ذکر گردید، در هفته مرجع، غیبت موقت از سرکار داشته‌اند. این افراد نیز هرچند به طور معمول دارای اشتغال ناقص زمانی نیستند، با توجه به علت غیبت موقت از کار در هفته مرجع، جزو افراد دارای اشتغال ناقص زمانی محسوب می‌شوند.

همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید، برای شناخت اشتغال ناقص زمانی، دو مؤلفه مطرح است که مؤلفه دوم مقدار اشتغال ناقص زمانی است. منظور از مقدار اشتغال ناقص زمانی، مجموع ساعت کار اضافی است که افراد دارای اشتغال ناقص زمانی تمایل به انجام آن دارند (البته با توجه به مقدار تعیین شده به عنوان ساعت کار متعارف).

معمولترین و در عین حال ساده‌ترین شیوه تعیین این مقدار، پرسش مستقیم در مورد ساعت کار موردنظر فرد شاغل دارای اشتغال ناقص زمانی است. البته چنانچه عدد اعلام شده توسط فرد شاغل بیش از ساعت کار متعارف باشد، باید برابر ساعت کار متعارف منظور شود.

به این ترتیب در مورد هر یک از افراد دارای اشتغال ناقص زمانی اعم از اینکه خواهان ساعت کاری بیشتر در شغل فعلی خود، تصدی شغل دیگری علاوه بر شغل فعلی و یا جایگزینی شغل فعلی با شغل دیگری با ساعت کاری بیشتر باشند، تفاضل ساعت کار مورد نظر از ساعت کار فعلی محاسبه می‌شود. مجموع ارقام حاصل برای تمام افراد دارای اشتغال ناقص زمانی، به

مفهوم اشتغال ناقص زمانی و نحوه تعیین مؤلفه‌های آن
گزیده مطالب آماری - ۵۹

عنوان مقدار اشتغال ناقص زمانی محسوب می‌شود.

شایان ذکر است که برای شناخت بیشتر و بهتر پدیده اشتغال ناقص زمانی در کشور علاوه بر تعداد افراد دارای اشتغال ناقص زمانی و مقدار اشتغال ناقص زمانی، می‌توان اطلاعاتی در مورد مدت زمانی^۱ که فرد دارای اشتغال ناقص زمانی طی یک سال گذشته در این وضعیت قرار داشته، را نیز جمع‌آوری نمود. این اطلاع همراه با مدت زمان اشتغال و بیکاری سالانه، اطلاع مفیدی است که می‌تواند مکمل آنها باشد.

همچنین می‌توان افراد دارای اشتغال ناقص زمانی را برحسب ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی آنها از قبیل سن، جنس، سطح سواد و ... و همچنین ویژگیهای شغل اصلی از قبیل گروههای عمده رشته فعالیت، گروههای عمده شغلی، وضع شغلی، بخش فعالیت (عمومی، خصوصی) و ... گروه‌بندی نمود.

هرچند در حال حاضر اطلاعات لازم برای محاسبه شاخصهای مربوط به اشتغال ناقص زمانی در دسترس نیست اما امید است با اجرای طرح پیشنهادی برای آمارگیری نیروی کار (هرندی و دیگران، ۱۳۸۱) توسط مرکز آمار ایران، اطلاعات مربوط به جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی در دسترس برنامه‌ریزان و سیاستگذاران قرار گیرد تا بتوانند از مجموعه این اطلاعات و اطلاعات مربوط به اشتغال و بیکاری، در برنامه‌ریزی و سیاستگذاریهای بازار کار استفاده نمایند.

منظور طول مدتی است (برحسب روز، هفته یا ماه) که افراد دارای اشتغال ناقص زمانی، به طور مستمر، کمتر از حد متعارف کار کرده و تمایل و آمادگی برای انجام کار اضافی را داشته‌اند. اطلاعات مربوط به تعداد روزها یا هفته‌های اشتغال، بیکاری و اشتغال ناقص زمانی هر فرد طی سال، می‌تواند تصویر کاملی از وضعیت اشتغال طی سال را فراهم نماید.

گزیده مطالب آمادیه^۹ اشتغال ناقص زمانی و نحوه تعیین مؤلفه های آن مفهوم

مراجع

- ۱) هرندی، فاطمه، اشتغال، اشتغال ناقص و بیکاری: مفاهیم و شیوه سنجش، تهران، پژوهشکده آمار، ۱۳۸۲.
- ۲) هرندی، فاطمه و دیگران، طرح پیشنهادی برای آمارگیری نیروی کار، تهران، پژوهشکده آمار، ۱۳۸۱.
- ۳) Surveys of economically active population employment, unemployment and underemployment, An Ilo manual on concepts and methods, 1992.
- ۴) Current International Recommendations on Labor Statistics/2000 Edition.